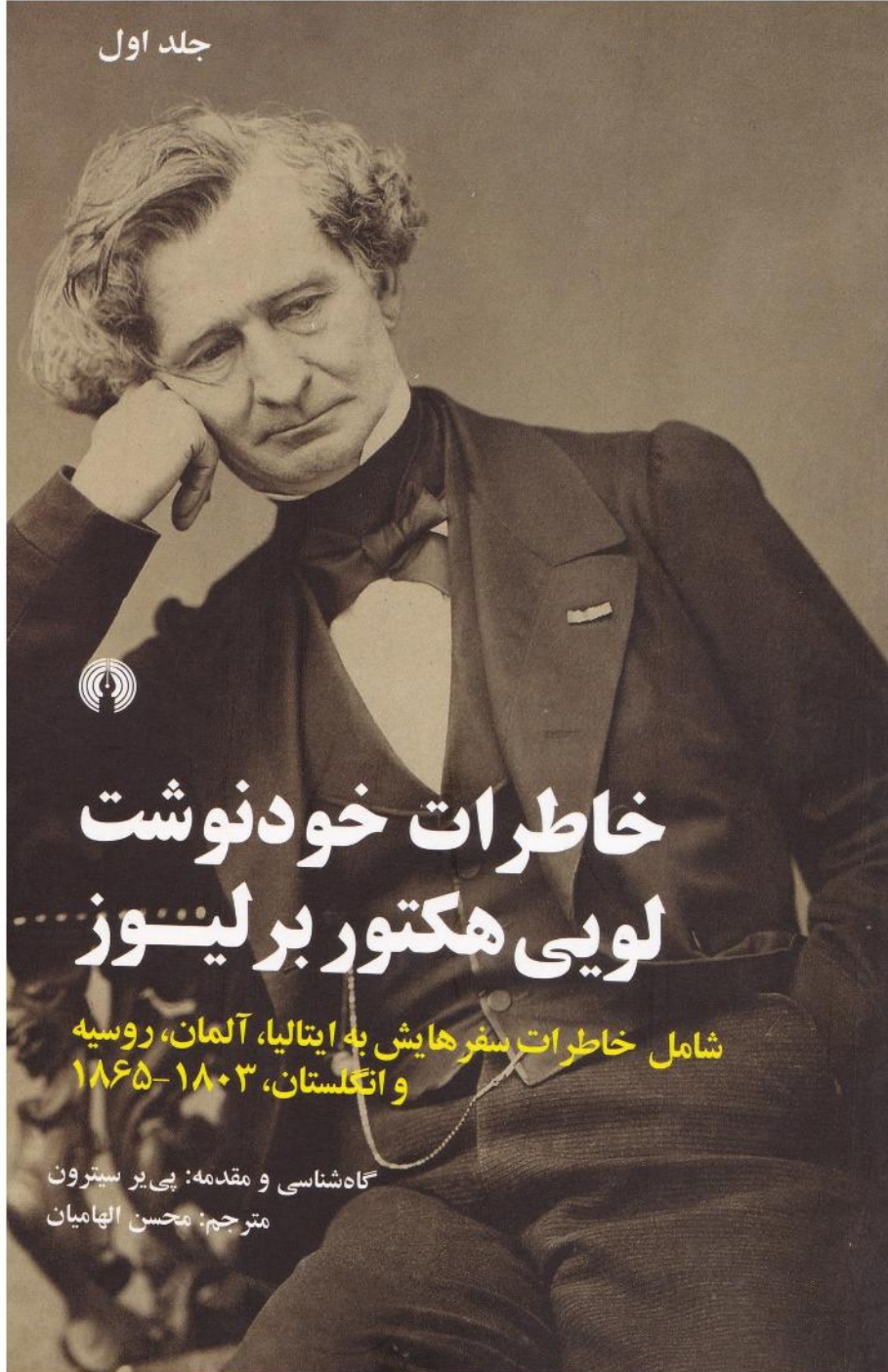


جلد اول



خاطرات خودنوشت لویی هکتور برلیوز

شامل خاطرات سفرهایش به ایتالیا، آلمان، روسیه
و انگلستان، ۱۸۰۳-۱۸۶۵

گاه‌شناسی و مقدمه: پی‌یر سیترون
مترجم: محسن الهامیان

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست‌نویسی
عنوان دیگر
موضوع
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
شناسه افزوده
شناسه افزوده
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
نمارة کتابشناسی ملی

برلیوز، هکتور، ۱۸۰۳ - ۱۸۶۹ م.
Berlioz, Hector
خاطرات خودنوشت لویی هکتور برلیوز شامل سفرهایش به ایتالیا، آلمان، روسیه و انگلستان (۱۸۰۳ - ۱۸۶۵) /
گاه‌شناسی و مقدمه: پی‌یر سیترون؛ مترجم: محسن الهامیان.
تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۹.
ج۱ و پنج، ۳۶۰ ص.
(دوره ۲) ۹۸۶-۹۸۶-۲۴۶-۶۰۰-۹۷۸-۹ (ج ۱) ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۶-۹۸۷-۹
فینیا
خاطرات هکتور برلیوز به قلم خودش.
برلیوز، هکتور، ۱۸۰۳ - ۱۸۶۹ م. -- سرگذشتنامه
Berlioz, Hector -- Biography
آهنگسازان فرانسوی -- قرن ۱۹ م. -- سرگذشتنامه
Composers -- France -- 19th century -- Biography
سیترون، پی‌یر مقدمه‌نویس
الهامیان، محسن، ۱۳۲۷ - مترجم
شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
Elmi - Farhangi Publishing Co
ML ۲۱۰
۷۸۰/۹۲
۶۲۴۰۸۵۶

خاطرات خودنوشت لویی هکتور برلیوز (جلد اول)

شامل سفرهایش به ایتالیا، آلمان، روسیه و انگلستان (۱۸۰۳ - ۱۸۶۵)

گاه‌شناسی و مقدمه: پی‌یر سیترون

مترجم: محسن الهامیان

چاپ نخست: ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لینتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.

اداره مرکزی:

بلوار نلسون ماندلا، تقاطع حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۲۵، تلفن: ۵۸۴۱۵

کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳

فروشگاه مرکزی (پرنده آبی):

بلوار نلسون ماندلا، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه گلغام، پلاک ۷۲، تلفن: ۲۲۰۲۴۱۴-۳

فروشگاه یک:

خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران، تلفن: ۱۶-۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶

فروشگاه دو:

خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳، تلفن: ۷-۸۸۳۴۳۸۰۶

elmifarhangi.ir

elmifarhangipub



انتشارات علمی و فرهنگی

فهرست مطالب (جلد اول)

یادداشت مترجم.....	یازده
مقدمه.....	هفده
پیشگفتار.....	سی و سه

بخش اول

فصل اول: کونت سنت آندره؛ اولین مراسم تعمید مذهبی من؛ اولین تأثیرهای موسیقی در من.....	۳
فصل دوم: پدرم؛ تحصیلات ادبی من؛ علاقه‌ام به سفر؛ ویرژیل؛ اولین هیجان شاعرانه.....	۷
فصل سوم: می یلان؛ دایی ام؛ پوتین های قرمز؛ حوری های سنت اینارد؛ عشق در قلبی دوازده ساله.....	۱۳
فصل چهارم: اولین درس موسیقی که پدرم به من داد؛ کوشش من در آهنگسازی؛ مطالعه استخوان شناسی؛ تنفر من از پزشکی؛ عزیمت به پاریس.....	۱۷

شش / خاطرات خودنوشت لویی هکتور برلیوز (جلد اول)

فصل پنجم: یک سال تحصیل پزشکی؛ پرفسور آموسا؛ نمایش در اپرا؛ کتابخانه کنسرواتوار؛ کشش مقاومت ناپذیر به سوی موسیقی؛ پدرم اجازه دبال کردن موسیقی را نداد؛ گفت و گوی خانوادگی ۲۹

فصل ششم: پذیرش من در میان شاگردان له زور؛ خوش قلبی وی؛ نمازخانه سلطنتی ۳۵

فصل هفتم: اولین اپرا؛ موسیو آندریو؛ اولین مس، موسیو شاتوبریان ۴۱

فصل هشتم: آقای آ. دوپونس ۱۲۰۰ فرانک برایم فراهم کرد؛ مس من برای اولین بار در کلیسای سنت روش اجرا شد؛ برای بار دوم در کلیسای سنت اوستاش آن را آتش زدم ۴۷

فصل نهم: اولین ملاقات و برخورد من با کروینی؛ او مرا از کتابخانه کنسرواتوار بیرون انداخت ۵۳

فصل دهم: پدرم کمک خرجم را قطع می کند؛ من به کوت بازمی گردم؛ طرز تفکر شهرستانی ها درباره هنر و هنرمندان؛ ناامیدی؛ وحشت پدرم؛ پدرم با بازگشتم به پاریس موافقت می کند؛ تعصب مادرم؛ نفرین مادرم ۵۷

فصل یازدهم: بازگشت به پاریس؛ من درس می دهم؛ به کلاس رایشا در کنسرواتوار وارد می شوم؛ شام های من روی پون نوف؛ پدرم مجدداً مستمری مرا قطع می کند؛ مخالفت شدید؛ هومبرت فراند؛ رودلف کرویتزر ۶۳

فصل دوازدهم: به عنوان خواننده کُر برای کسب جایگاهی در مسابقه شرکت کردم و آن را به دست آوردم؛ آ. شاربونل؛ هم خانگی با پسرها ۶۷

فصل سیزدهم: اولین کمپوزیسیون برای ارکستر؛ مطالعات من در اپرا؛ دو استاد من، له زور و رایشا ۷۵

فصل چهاردهم: کنکور انستیتو؛ کانتات من غیر قابل اجرا شناخته شد؛ ستایش من

فهرست مطالب / هفت

- از گلوک و اسپونتینی؛ ورود روسینی؛ دیلتانتی‌ها؛ خشم من؛ موسیو انگر..... ۸۱
- فصل پانزدهم: شب‌های من در اپرا؛ رسوایی؛ صحنه‌هواداری؛ حساسیت
یک ریاضیدان..... ۸۵
- فصل شانزدهم: ظهور ویر در اودئون؛ کاستیل‌بلاز؛ موزار؛ لاشنیت؛
تنظیم کنندگان؛ ناامیدی و مرگ..... ۹۹
- فصل هفدهم: پیش‌داوری در مورد اپرای نوشته‌شده روی یک متن ایتالیایی؛
نفوذ آن روی تأثیری که من از بعضی آثار موزار دریافت می‌کنم..... ۱۱۱
- فصل هجدهم: ظهور شکسپیر؛ میس اسمیتسون؛ عشق کشنده؛ بی‌قیدی
روحي؛ اولین کنسرت من؛ مخالفت مضحک کروبینی؛ شکست وی؛
اولین مار زنگی..... ۱۱۵
- فصل نوزدهم: کنسرت بیهوده؛ رهبر ارکستری که رهبری نمی‌دانست؛ گروه
کری که آواز نمی‌خواند..... ۱۲۵
- فصل بیستم: ظهور بتهوون در کنسرواتوار؛ بی‌اعتنایی کینه‌توزانه و شرم‌آور
استادان فرانسوی؛ تأثیر ناشی از سنفونی اوت مینور روی له‌زور؛ پایداری
این استادان در مخالفت مداوم..... ۱۳۱
- فصل بیست‌ویکم: سرنوشت شوم؛ من منتقد هنری می‌شوم..... ۱۳۷
- فصل بیست‌ودوم: کنکور کمپوزیسیون موسیقی؛ آیین‌نامه آکادمی هنرهای
زیبا؛ من جایزه رُم را می‌برم..... ۱۴۱
- فصل بیست‌وسوم: مأمور اجرای انستیتو؛ پرده‌داری‌های او..... ۱۵۱
- فصل بیست‌وچهارم: باز هم میس اسمیتسون؛ نمایشی خیرخواهانه؛ اتفاقات
بی‌رحمانه..... ۱۶۱

هشت / خاطرات خودنوشت لویی هکتور برلیوز (جلد اول)

- فصل بیست و پنجم: سومین کنکور در انستیتو؛ آن سال جایزه اولی وجود ندارد؛ گفت و گوی عجیب با بوآلدیو؛ موسیقی ای که لالایی می گوید..... ۱۶۵
- فصل بیست و هشتم: مطالعه فاوست اثر گوته برای اولین بار؛ سنفونی فانتاستیک خود را نوشتم؛ سعی بیهوده برای اجرا..... ۱۷۱
- فصل بیست و هفتم: یک فانتزی روی طوفان شکسپیر؛ اجرای آن در اپرا..... ۱۷۷
- فصل بیست و هشتم: سرگرمی پراالتهاب ف. ه. مادموازل م..... ۱۷۹
- فصل بیست و نهم: چهارمین کنکور انستیتو؛ من جایزه اول را بردم؛ انقلاب ژوئیه؛ فتح بابل؛ مارسیز؛ روزه دولیل..... ۱۸۳
- فصل سی ام: توزیع جوایز در انستیتو؛ آکادمیسین ها؛ کانتات من، ساردانا پال؛ اجرای آن؛ آتش سوزی ای که آتش آن شعله ور نمی شود؛ خشم من؛ ترس مادام مالی بران..... ۱۹۱
- فصل سی و یکم: دومین کنسرت خودم را می دهم؛ سنفونی فانتاستیک؛ لیست به ملاقات من می آید؛ شروع ارتباط ما؛ نقادان پاریس؛ گفتار کروبینی؛ عازم ایتالیا می شوم..... ۱۹۹
- فصل سی و دوم: سفر در ایتالیا از مارسی تالی ورن؛ لی ورن تا ایتالیا؛ آکادمی فرانسه در رم..... ۲۰۵
- فصل سی و سوم: مستمری بگیران آکادمی؛ فلیکس مندلسون..... ۲۱۵
- فصل سی و چهارم: درام زندگی من؛ رم را ترک می کنم؛ از فلورانس تا نیس؛ به رم بازمی گردم؛ هیچ جنایتی اتفاق نیفتاد..... ۲۲۱
- فصل سی و پنجم: تئاتر جنوا و فلورانس؛ ایل مونتیکی ادی کاپولتی اثر بلینی؛

فهرست مطالب / نه

نقش رومئو را یک زن اجرا کرد؛ لاوستال اثر پاچینی؛ لی سینوس را یک زن اجرا کرد؛ اورگانیست فلورانسسی؛ جشن دل کوریوس دومینی؛ به آکادمی بازگشتم..... ۲۳۳

فصل سی و هشتم: زندگی در آکادمی؛ کلاس هایم در آبروز؛ سنت پی یر؛ غم و ملال بی علت؛ سفر در جلگه های رم؛ کارناوال؛ میدان ناون..... ۲۴۳

فصل سی و نهم: شکار در کوهستان؛ باز هم جلگه رم؛ خاطرات ویرژیلی؛ ایتالیای وحشی؛ تأسف ها؛ ضیافت های اوستریا؛ گیتار من..... ۲۵۷

فصل سی و دهم: سویا کو؛ صومعه سنت بنوا؛ یک سرناد؛ سی وی تلا؛ تفنگ من؛ دوستم کریشینو..... ۲۶۵

فصل سی و یازدهم: زندگی یک موزیسین در رم؛ موسیقی در کلیسای سنت پی یر؛ نمازخانه سیکستین؛ پیش داوری در مورد پالستینا؛ موسیقی مذهبی مدرن در کلیسای سنت لویی؛ تئاترهای لیریک؛ موزار و واکابی؛ کمپوزیسیون های من در رم..... ۲۷۵

فصل چهارم: انواع مالیخولیا و بیزاری از زندگی؛ انزوا..... ۲۹۱

فصل پنجم و یکم: مسافرت به ناپل؛ سرباز شوق زده؛ سفری به نیریتا؛ اهالی لازاروتی؛ آن ها مرا به شام دعوت می کنند؛ یک ضربه شلاق؛ تئاتر سان کارلو؛ مراجعه پیاده به رم؛ از میان آبروزها؛ تی ولی؛ باز هم ویرژیل..... ۲۹۷

فصل ششم و دوم: آنفلوانزا در رم؛ سیستم فلسفی جدید؛ شکارها؛ درد عشق مستخدمه ها؛ به فرانسه بازمی گردم..... ۳۱۷

فصل ششم و سوم: فلورانس؛ صحنه عزای «اسپوزینای زیبا»؛ فلورانس شاد؛

ده / خاطرات خودنوشت لویی هکتور برلیوز (جلد اول)

لودی؛ میلان؛ تئاتر کانویانا؛ جمعیت تماشاچی؛ پیش داوری درباره سازمان
موسیقی ایتالیا؛ علاقه شکست‌ناپذیر آن‌ها به عدم لطافت؛ درخشندگی و
و کالیزاسیون؛ بازگشت ۳۲۳

فصل چهل و چهارم: سانسور پاپی؛ تدارک کنسرت؛ به پاریس بازمی‌گردم؛ تئاتر
جدید انگلیسی؛ فتیس؛ اصلاحاتش بر سنفونی بتهوون؛ به میس اسمیتسون معرفی
شدم؛ او ورشکست شده است؛ او پایش می‌شکند؛ با او ازدواج می‌کنم ۳۳۷

فصل چهل و پنجم: نمایش و کنسرت برای جمع آوری اعانه در تئاتر ایتالیایی؛
چهارمین پرده هاملت؛ آنتونی؛ از هم‌پاشیدگی ارکستر؛ من تلافی می‌کنم؛
ملاقات با پاگانی‌نی؛ آلتوی او؛ کمپوزیسیون هارولد در ایتالیا؛ اشتباه‌های
ژرارد، رهبر ارکستر؛ تصمیم گرفتم بعد از این آثارم را خودم رهبری کنم؛
نامه‌ای ناشناس ۳۵۱

کوت سنت آندره؛ اولین مراسم تعمید مذهبی من؛ اولین تأثیرهای موسیقی در من

من در ۱۱ دسامبر ۱۸۰۳ در کوت سنت آندره، شهر کوچکی در فرانسه، در بخش ایزر که بین وین و گرونوبل و لیون قرار گرفته است، به دنیا آمدم. چند ماه قبل از تولدم، مادر من، ایدا، مثل مادر ویرژیل در خواب دید که شاخه زیتونی را که علامت فتح و افتخار است به دنیا عرضه می کند. این اعتراف هر چند برای غرور و عزت نفس من دردناک است، باید اضافه کنم مادرم مثل المییا، مادر اسکندر، باور نداشت که در سینه خود همیشه ای سوزان حمل می کند؛ و این کاملاً غیرعادی است. در این مورد مطمئن هستم، ولی این حقیقت دارد. خیلی ساده به دنیا آمدم، بدون آنکه هیچ یک از علائم قبلی، مرسوم در دوره های شاعرانه برای پیش آگهی از تولد نوزادی که در آینده به افتخارات بزرگی نائل خواهد شد، درباره من اتفاق بیفتد. آیا این نشانه ای نیست که در زمان ما احساسات شاعرانه از بین رفته است؟

اسم «کوت سنت آندره» این مفهوم را می رساند که در سرایشی تپه ای بنا شده است و مسلط به دشتی بسیار وسیع، پرمايه، زرگونه و پوشیده از

سبزه است که نمی‌توانم بگویم سکوتش دارای چه رؤیای پرشکوهی است؛ رؤیایی که با کمر بند کوهستانی که جنوب و شرق آن را گرفته است افزوده می‌شود که از طرف عقب و در آن دوردست‌ها، قله‌های باعظمت آلپ در زیر بار یخچال‌های طبیعی سر به فلک کشیده‌اند. لازم است گفته شود که من در خانواده‌ای معتقد به آیین کاتولیک وابسته به پاپ در رم بزرگ شدم. این مذهب نیک آیین که مدتی است دیگر کسی را به آتش نکشیده است، مدت هفت سال تمام موجبات خوشحالی مرا فراهم کرد. هر چند از مدت‌ها پیش بین ما شکر آب شده است، با این حال از آن دوره خاطرات بسیار دلپذیری در ذهن دارم. این مذهب و آیینش به حدی برایم دوست‌داشتنی است که اگر بدبختی تولد در دامان یکی از کلیساهای پروتستان لوتر یا کالون نصیب شده بود، حتماً در نخستین لحظه‌ای که احساس شاعرانه و استفاده از مظاهر خوش زندگی به سراغم می‌آمد، از آن مذهب خشک و آیین منحصربه‌فست دست می‌کشیدم و از صمیم قلب به آیین زیبا و دوست‌داشتنی کلیسای رم در می‌آمدم.

اولین تعمید مذهبی خود را با خواهر بزرگ‌ترم در یک روز در صومعه‌ای که پانسیون وی بود انجام دادم. این موقعیت منحصر به فرد در اولین برخورد مذهبی خاطره‌ای بسیار ملایم برایم به وجود آورد که همیشه آن را با مهربانی به یاد می‌آورم. کشیش صومعه ساعت ۶ صبح به دنبال من آمد. فصل بهار بود، آفتاب با مهربانی لبخند می‌زد، نسیم در بین برگ‌ها زمزمه داشت. نمی‌دانم چه عطر دل‌انگیزی فضا را پر کرده بود. کاملاً هیجان‌زده از در صومعه به داخل خانه مقدس رفتم. در داخل کلیسا، در میان دوستان جوان خواهرم، در لباس سفید، در حالی که دعا می‌خواندند، منتظر شروع مراسم باشکوه بودیم. کشیش شروع کرد، مراسم دعا آغاز شد. تمام توجه من به خدا بود؛ ولی به طور ناگوار متاثر شدم وقتی با این طرفداری بی‌مورد مواجه گشتم که بعضی مردان

هنوز هم گاه‌وبیگاه در مورد من یادداشت‌ها و بیوگرافی‌هایی چاپ می‌شود که پر از اشتباه است. بالأخره به این فکر افتادم که خودم آنچه را در زندگی کاری و زندگی پر اضطرابم جالب به نظر می‌رسد و می‌تواند تا حدودی مورد توجه دوستداران هنر باشد به چاپ برسانم. این نگاه به گذشته برایم فرصتی پیش خواهد آورد تا بتوانم در مورد مشکلاتی که در زندگی حرفه‌ای آهنگسازان به چشم می‌خورد نکاتی دقیق گوشزد کنم و درس‌هایی مفید به ایشان بدهم.

لندن، ۲۱ مارس ۱۸۴۸



انتشارات علمی و فرهنگی

ISBN: 978-600-436-986-2 (set)
ISBN: 978-600-436-987-9 (v.1)



9 786004 369879

جلد دوم



خاطرات خودنوشت لویی هکتور برلیوز

شامل خاطرات سفرهایش به ایتالیا، آلمان، روسیه
و انگلستان، ۱۸۰۳-۱۸۶۵

گادشناسی و مقدمه: پی یر سیترون
مترجم: محسن الهامیان

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
عنوان دیگر
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
شناسه افزوده
شناسه افزوده
زده بندی کنگره
زده بندی دیویی
شماره کتابشناسی مل

برلیوز، هکتور، ۱۸۰۳ - ۱۸۶۹ م.
خاطرات خودنوشت لویی هکتور برلیوز شامل سفرهایش به ایتالیا، آلمان، روسیه و انگلستان (۱۸۰۳ - ۱۸۶۵)
گاه‌شناسی و مقدمه: پی‌یر سیترن؛ مترجم: محسن الهامیان.
تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۹.
نه، ۵۰۹ ص.
(دوره) ۲-۹۸۶-۲۳۶-۶۰۰-۹۷۸-۶ (ج ۲) ۶-۹۸۸-۲۳۶-۶۰۰-۹۷۸-۶
فیبا
خاطرات هکتور برلیوز به قلم خودش.
برلیوز، هکتور، ۱۸۰۳ - ۱۸۶۹ م. -- سرگذشتنامه
Berlioz, Hector -- Biography
آهنگسازان فرانسوی -- قرن ۱۹ م. -- سرگذشتنامه
Composers -- France -- 19th century -- Biography
سیترن، پی‌یر، مقدمه‌نویس
الهامیان، محسن، ۱۳۳۷ - مترجم
شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
Elmi - Farhangi Publishing Co
ML ۲۱۰
۷۸۰/۹۲
۶۲۲۰۸۵۶

خاطرات خودنوشت لویی هکتور برلیوز (جلد دوم)

شامل سفرهایش به ایتالیا، آلمان، روسیه و انگلستان (۱۸۰۳ - ۱۸۶۵)

گاه‌شناسی و مقدمه: پی‌یر سیترن

مترجم: محسن الهامیان

چاپ نخست: ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتبیبه

حق چاپ محفوظ است.

اداره مرکزی:

بلوار نلسون ماندلا، تقاطع حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۲۵، تلفن: ۵۸۴۱۵

کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳

فروشگاه مرکزی (پرنده آبی):

بلوار نلسون ماندلا، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه گلغام، پلاک ۷۲، تلفن: ۳-۲۲۴۱۲-۲۲۰

فروشگاه یک:

خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶-۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۷۸۶-۶۶۴۰۰

فروشگاه دو:

خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام قراهنی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن: ۷-۸۸۳۴۳۸۰۶

elmifarhangi.ir

elmifarhangipub



انتشارات علمی و فرهنگی

فهرست مطالب (جلد دوم)

بخش دوم

فصل چهل و هشتم: موسیو دوگاسپارین به من سفارش یک رکوئیم داد؛ مدیریت هنرهای زیبا؛ نظر آن‌ها در مورد موسیقی؛ بی‌وفایی؛ فتح قسطنطنیه؛ دیسسه کرویینی؛ مار بوآ؛ رکوئیم من اجرا شد؛ انفیه‌دان هابه‌نک؛ پولم را پرداخت کردند؛ می‌خواستند مرا با صلیب بخرند؛ انواع رسوایی؛ آینده من؛ با تهدیدهایم پولم پرداخت شد..... ۳

فصل چهل و نهم: اجرای قطعه «لا کریموزا» از رکوئیم من در لیل؛ یک مار کوچولو برای کرویینی؛ حقه قشنگی که او به من زد؛ افعی سمی که به خوردش دادم؛ من به عضویت هیئت تحریریه ژورنال دبا در آمدم؛ حوادثی که باعث شد مطالعات مربوط به نقدنویسی را انجام دهم..... ۱۷

فصل چهل و دهم: اسمرالدای مادمازل برتن؛ تمرینات اپرای من، بن و نتو چلیتی؛ شکست پرسروصدای آن؛ اورتور کارناوال رمی؛ هابه‌نک؛ دوپره؛

- ارنست له گووه ۲۷
- فصل **چهل و نهم**: کنسرت ۱۶ دسامبر ۱۸۳۸؛ پاگانینی، نامه‌اش به همراه هدیه؛ جهش مذهبی همسر؛ خشم، خوشحالی و افترا؛ ملاقات من با پاگانینی؛ عزیمت وی؛ رومئو و ژولیت را نوشتیم؛ انتقادی که بر این اثر وارد بود ۳۷
- فصل **پنجاهم**: موسیو دورموزا سفارش نوشته شدن سنفونی *عزرا* و پیروزی را به من داد؛ اجرای آن؛ وجهه همه گیر شدن آن در پاریس؛ گفتار هابه‌نک؛ اسپونینی به این اثر صفتی نو داد؛ و اشتباه او در مورد رکویتم ۴۷
- فصل **پنجاه و یکم**: سفر و کنسرت در بروکسل؛ طوفانی که بر زندگی داخلی من وزیدن گرفت؛ بلژیکی‌ها؛ زانی دوفرائتی؛ فتیس؛ اشتباه بزرگ فتیس؛ فستیوال سازمان یافته در پاریس که من اجراش کردم؛ توطئه دوستان هابه‌نک عقیم ماند؛ رسوایی در لژ موسیو دوژیرادین؛ راه ثروت اندوزی؛ به آلمان عزیمت کردم ۵۳
- اولین سفر به آلمان (۱۸۴۱-۱۸۴۲)** ۶۵
- به موسیو آ. مورل، نامه اول، بروکسل، ماینس، فرانکفورت ۶۵
- به موسیو ژرارد، نامه دوم، اشتوتگارت، هه‌شینگن ۷۹
- به لیست، نامه سوم، مانهایم، وایمار ۹۴
- به استفان هلر، نامه چهارم، لایپزیک ۱۰۸
- به ارنست، نامه پنجم، در سده ۱۲۳
- به هانریش هاینه، نامه ششم، برونسویک، هامبورگ ۱۳۶
- به مادموازل لویی برتن، نامه هفتم، برلین ۱۵۰
- به موسیو هابه‌نک، نامه هشتم، برلین ۱۶۲
- به موسیو دمارس، نامه نهم، برلین ۱۷۷
- به موسیو ژ. اوسبورن، نامه دهم، هانور؛ دارمشتات ۱۹۳

فهرست مطالب / هفت

فصل پنجاه و دوم: من اپرای فرایشوتز را به صحنه بردم؛ رسیتاتیف‌های من؛ خوانندگان؛ دسوار؛ موسیو لئون پیه؛ زیان‌هایی که بر اثر موقعیت او به پارسیون وبر رسید..... ۲۱۱

فصل پنجاه و سوم: مجبور هستم باورقی بنویسم؛ ناامیدی من؛ هوس خودکشی؛ فستیوال صنعتی؛ ۱۰۲۲ اجراکننده؛ ۳۲۰۰۰ فرانک فروش؛ ۸۰۰ فرانک سود؛ موسیو دله‌سر، رئیس اداره پلیس؛ برقراری سانسور در برنامه کنسرت‌ها؛ تحصیل دار نوانخانه؛ دکتر آموسا؛ به نیس رفتم؛ کنسرت در سیرک شانزلیزه..... ۲۱۹

دومین سفر به آلمان، اتریش، بوهم، هونگری..... ۲۳۹

به موسیو هومبرت فراند، نامه اول، وین..... ۲۳۹

به موسیو هومبرت فراند، نامه دوم، وین (ادامه)..... ۲۵۲

به موسیو هومبرت فراند، نامه سوم، پست..... ۲۶۶

به موسیو هومبرت فراند، نامه چهارم، پراگ..... ۲۸۱

به موسیو هومبرت فراند، نامه پنجم، پراگ (ادامه)..... ۲۹۵

به موسیو هومبرت فراند، نامه ششم، پراگ (ادامه)..... ۳۰۶

فصل پنجاه و چهارم: کنسرت در برسلو؛ افسانه نفرین فاوست من؛ کتابچه؛ ناقدان وطن پرست آلمانی؛ اجرای نفرین فاوست در پاریس؛ تصمیم گرفتم به روسیه بروم؛ نیکوکاری دوستانم..... ۳۲۱

فصل پنجاه و پنجم: روزنامه پروسی؛ موسیو نرنست؛ سورت‌ها؛ برف؛ حماقت کلاغ‌ها؛ کنت ویل هورسکی؛ ژنرال لووف؛ اولین کنسرت من؛ امپراتریس؛ کسب درآمد می‌کنم؛ سفر به مسکو؛ مانع مسخره؛ گراند مارشال؛ عاشقان موسیقی؛ توپ‌های کرملین..... ۳۲۹

فصل پنجاه و ششم: بازگشت به سن پترزبورگ؛ دو اجرا از رومئو و ژولیت در

- گراند تئاتر؛ رومئو در کالسکه تک اسبه اش؛ ارنست؛ طبیعت استعداد وی؛
سیر قهقرایی موسیقی..... ۳۵۵
- دنباله سفر به روسیه؛ بازگشت من؛ ریگا؛ برلین؛ اجرای فاوست؛ شامی
بدون غم؛ شاه پروس..... ۳۶۳
- فصل پنجاه و هفتم: پاریس؛ برای اداره اپرا، آقایان روکوپلان و دوپونشل را
پیشنهاد کردم؛ قدردانی ایشان از راهبه خون آلود؛ به لندن رفتم؛ ژولین،
مدیر دروری لین؛ اسکریب؛ کشیش باید در مذبح زندگی کند..... ۳۷۱
- دو روز بعد..... ۳۷۲
- فصل پنجاه و هشتم: مرگ پدرم؛ سفر جدید به کوت سنت آندره؛ سیر و
سیاحتی در می لان؛ اوج وحشتناک تنهایی؛ باز هم استلا دل مونته؛ نامه ای به
وی نو شتم..... ۳۸۳
- فصل پنجاه و نهم: مرگ خواهرم؛ مرگ همسرم؛ تشییع جنازه آن ها؛ اودئون؛
موقعیت من در دنیای موسیقی؛ ناتوانی تقریبی من از حقیر شمردن نفرتی
که در تئاتر مرا تحریک می کرد؛ دسیسه کاونت گاردن؛ دسیسه کاری در
کنسرواتوار پاریس؛ سنفونی خیالی و فراموش شده؛ پذیرایی پسندیده ای
که در آلمان از من شد؛ شاه هانوور؛ دوک وایمار؛ کارگزار شاه ساکس؛
خدا حافظی های من..... ۳۹۷
- اضافات بعدی: نامه ارسال شده به موسیو***، با دست نویس خاطراتم، که از
من یادداشت هایی خواسته بود تا زندگی نامه ام را بنویسد..... ۴۱۹
- یادداشت آخر کتاب: کار را به پایان می برم؛ انجمن هنری؛ کنسرت در قصر
صنعتی؛ ژولین؛ دیپازون ابدیت؛ تروایی ها؛ اجرای این اثر در پاریس؛
بئاتریس و بندیکت؛ اجرای این اثر در باده و وایمار؛ سیر و سیاحت در
لوون برگ؛ کنسرت های کنسرواتوار؛ فستیوال استراسبورگ؛ مرگ دومین

فهرست مطالب / نه

همسرم؛ همه را به شیطان حواله می‌کنم!.....	۴۳۳
سفر به دانوفینه: دومین زیارت می‌لان؛ ۲۴ ساعت در لیون؛ مادام ف.....	۴۵۹
دیدم؛ تشنج قلب.....	۴۷۲
اولین نامه.....	۴۷۴
اولین پاسخ مادام ف.....	۴۷۷
دومین نامه.....	۴۷۸
دومین پاسخ مادام ف.....	۴۷۹
سومین نامه.....	۴۸۰
چهارمین نامه.....	۴۸۳
این بار من بودم که جواب می‌دادم.....	۴۸۹
اصطلاحات موسیقی استفاده‌شده در کتاب.....	۴۹۹
گاه‌شماری.....	

فصل چهل و ششم

موسیو دوگاسپارین به من سفارش یک رکوئیم داد؛ مدیریت هنرهای زیبا؛ نظر آنها در مورد موسیقی؛ بی‌وفایی؛ فتح قسطنطنیه؛ دسیسه کروبینی؛ مار بوآ؛ رکوئیم من اجرا شد؛ انفیهدان هابه‌نک؛ پولم را پرداخت کردند؛ می‌خواستند مرا با صلیب بخرند؛ انواع رسوایی؛ آینده من؛ با تهدیدهایم پولم پرداخت شد.

در ۱۸۳۶ موسیو دوگاسپارین وزیر کشور بود. تعداد کمی از رجال ما به موسیقی علاقه داشتند و تعداد بسیار کمی در بین آنها بودند که در برابر موسیقی احساسات نشان می‌دادند. با آرزوی افتخار بخشیدن به موسیقی مذهبی فرانسه که از مدت‌ها پیش دیگر مورد توجه نبود، آقای وزیر در نظر داشت از بودجهٔ دپارتمان هنرهای زیبای آن وزارتخانه، مبلغی معادل سه‌هزار فرانک همه‌ساله به یکی از مصنفان فرانسوی از طرف وزارتخانه اختصاص داده شود تا برای نوشتن یک مس، یک اوراتوریو در ابعادی بزرگ پرداخت شود و وزارتخانه زیر نظر موسیو دوگاسپارین

با هزینه‌ای که از طرف دولت پرداخت می‌شود آن را اجرا کند. «من با برلیوز شروع خواهم کرد. وی باید یک رکوئیم بنویسد. مطمئن هستم که او موفق خواهد شد.» این شرح را یکی از دوستان پسر آقای موسیو دوگاسپارین که او را می‌شناختمم برایم نقل کرد. برای اطمینان از واقعیت آن، از آقای وزیر تقاضای شرفیابی کردم تا در مورد صحت جزئیاتی که برایم نقل شده بود مرا مطمئن کند. موسیو دوگاسپارین به من گفت: «من به زودی وزارتخانه را ترک خواهم کرد و این رکوئیم وصیت‌نامه من خواهد بود که به موسیقی درآمده است. آیا تا کنون دستور تصنیف رکوئیم را که به شما مربوط می‌شود دریافت کرده‌اید؟»

— نه موسیو، من به طور اتفاقی از نیت خیرخواهانه شما اطلاع یافتیم.
— چطور چنین چیزی ممکن است؟ من هشت روز است که دستور داده‌ام آن را برای شما بفرستند. این تأخیر به دلیل اهمال اداره است، آن را دنبال می‌کنم.

با این حال روزهای بسیاری گذشت و از سفارش‌نامه خبری نبود. با نگرانی بسیار پیش پسر موسیو دوگاسپارین رفتم. او مرا در جریان توطئه‌ای گذاشت که به هیچ وجه فکرش را هم نمی‌کردم. سوءظنی به موسیو XX...، مدیر هنرهای زیبا، نداشتم که به هیچ وجه طرح وزارتخانه را در مورد موسیقی مذهبی قبول نکرده و مخالفت شدیدتری هم با انتخاب من به عنوان پیش‌آهنگ برای ورود آهنگسازان به این راه کرده بود. وی می‌دانست که موسیو دوگاسپارین چند روزی بیشتر در پست وزارت نخواهد بود؛ بنابراین در نظر داشت با به تعویق انداختن نگارش و صدور تصویب‌نامه تا موقع خاتمه خدمت آقای دوگاسپارین، پایه‌گذار این طرح، که مرا به نوشتن یک رکوئیم دعوت کرده بود، فعلاً جلوی آن را بگیرد و بعداً با منصرف کردن جانشین وی این طرح

۱. وی مدت دوازده سال است که فوت کرده است، ولی بهتر است اسم او برده نشود.

هنوز هم گاه‌وبیگاه در مورد من یادداشت‌ها و بیوگرافی‌هایی چاپ می‌شود که پر از اشتباه است. بالاخره به این فکر افتادم که خودم آنچه را در زندگی کاری و زندگی پراضطرابم جالب به نظر می‌رسد و می‌تواند تا حدودی مورد توجه دوستداران هنر باشد به چاپ برسانم. این نگاه به گذشته برایم فرصتی پیش خواهد آورد تا بتوانم در مورد مشکلاتی که در زندگی حرفه‌ای آهنگسازان به چشم می‌خورد نکاتی دقیق گوشزد کنم و درس‌هایی مفید به ایشان بدهم.

لندن، ۲۱ مارس ۱۸۴۸



انتشارات علمی و فرهنگی

ISBN: 978-600-436-986-2 (set)
ISBN: 978-600-436-988-6 (v.2)



9 786004 369886